

نگاه کارشناس / ۲

پوپولیست کیست؟

نقدی بر نوشته‌هایی که ممدانی را پوپولیست می‌دانند



منصور بیطرف
روزنامه‌نگار و تحلیلگر اقتصاد

ظه‌ور و پیروزی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک فصل جدیدی را در تحلیل‌های ایران باز کرد. از زمان پیروزی وی در انتخابات - چهارم نوامبر - تا روز گذشته وقتی رسانه‌های ایران را ورق می‌زنم و یا نگاه می‌کنم، عمده آنها یک واژه را درباره ممدانی به کار می‌برند: «پوپولیسیست چپ»! روزنامه‌ها و رسانه‌های ایران از قبیل روزنامه هم‌میهن و یا دنیای اقتصاد و غیره بدون آنکه دلیلی بر «پوپولیست» بودن وی بیاورند، صرف نگاه چپگرایانه او را دلیل «پوپولیست» بودن وی می‌دانند و جالب آن است که او را دقیقاً مقابل ترامپ قرار می‌دهند. اما آیا واقعاً او پوپولیست است؟ آیا صرف شعارهایی مانند مالیات بر ثروتمندان و سرمایه‌داران برای تأمین مخارج فرضاً حمل و نقل رایگان شهری برای کم‌درآمدها و یا دانش‌آموزان، نشان‌دهنده پوپولیست بودن وی است؟

تا آنجا که مطالب نویسندگان را خواندم به نظر می‌آید که آنها صرف همین شعارها را دال بر «پوپولیسیست» بودن وی می‌دانند. با عرض معذرت از همه این نویسندگان بهتر است بگویم آنها یا معنی سیاسی «پوپولیست» بودن را نمی‌دانند و یا آنکه سعی در مغلطه کردن شعارهای چپ دارند. از نگاه من، ممدانی با صرف این شعارها نمی‌تواند «پوپولیست» باشد. زیرا در هر انتخاباتی هر نامزدی با وعده و وعیدهایی به‌دنبال آن است که آرای طبقات متوسط و کم‌درآمد را جذب کند. این امر از نگاه سیاسی نه مذموم است و نه پوپولیست‌گونه. پوپولیسم خودش را زمانی بروز می‌دهد که بخواهد، با شعارهای حمایت‌گرایانه از مردم، قانون را زیر پا بگذارد و یا نهادهای مرسوم را منحل کند؛ رویدادی که اتفاقاً ما در انتخابات سال ۱۳۸۴ به بعد دیدیم. در این زمینه فکت‌های ادبیاتی و تاریخی بی‌شماری است. آنچه که فرد را پوپولیست می‌کند برای مثال آن است که فرضاً کسی مانند «جک کید» در نمایشنامه هنری ششم شورش می‌کند و ادعا می‌کند که از سوی مردم سخن می‌گوید و وعده می‌دهد که همه را برابر کند و قوانین را ملغی؛ و جالب است که در آن دوران نماد طبقه اشراف و نخبگان باسوادى بود و شعار «حذف باسوادى» و لغو «وکالت» کشتن «وکلا» را می‌دهد. نقل قول معروفش که در واقع نماد پوپولیسم یا ضد عقل‌گرایی بود، این است که: «اولین کاری که باید انجام دهیم این است که همه وکلا را بکشیم.» جک کید، سواد را نشانه خیانت می‌داند و وعده می‌دهد همه را بی سواد کند: «همه اسناد رسمی کشور را بسوزانید، دهان من مجلس انگلستان خواهد بود.» ما در شعارهای ممدانی، کجا از این نوع وعده‌ها که خواسته باشد دوگانگی میان مردم و نخبگان ایجاد کند و یا نهاده‌ا را تخریب کند می‌بینیم؟ قصد من در اینجا حمایت از ممدانی و امثالهم نیست. بلکه قصد من این است که «واژه»‌ها را در «جا»ی خود به کار بگیریم. در واقع پوپولیست‌ها مدعی هستند که خودشان نماینده واقعی مردم هستند و هر مخالفتی را «ضد مردم» می‌خوانند. آنها به شدت از نهادهای دموکراتیک و رسانه‌های مستقل نفرت دارند و به‌دنبال بی اعتبار کردن نخبگان و اقلیت‌ها هستند؛ کاری که برای مثال ترامپ کرده و می‌کند. ترامپ رسانه‌های مستقل را کاملاً طرد می‌کند، نخبگان و دانشگاهی‌ها را بی اعتبار می‌کند؛ بر‌خورد ترامپ و دولتش با دانشگاه‌ها رو‌اردم نمونه‌هایی از این بر‌خوردها است. بنابراین پوپولیسم، چپ و راست ندارد اما وجه مشترک میان آنها این است که یک دوگانگی میان «مردم» و «نخبگان» ایجاد می‌کند: نهاده‌ا و کارشناسان را می‌خواهد بی اعتبار کند و به جای فرآیندهای دموکراتیک و گذر از نهادهای قانونی بر اراده مستقیم مردم تأکید دارد؛ این معیارهای یک «پوپولیست» است، نه صرفاً شعارهای چپ‌گرایانه!



بادستگیرشدگان، ره‌سپار ندانمگاه‌ها شدند و این دستگیرشدگان در حین این گفت‌وگوها، تصریح می‌داشتند که اشتباه کردند و نادم هستند؛ معتقدیم اکنون نیز می‌توان مجدداً از همان شیوه استفاده کرد.»

▼ عفو ۱۶۰ زندانی امنیتی با عفو معیاری

۱۸ شهریورماه امسال بود که خبر موافقت مقام رهبری با شرایط و ضوابط عفو و تخفیف مجازات محکومان دادگاه‌ها به مناسبت میلاد حضرت محمد(ص) و امام صادق (ع) که از سوی رئیس قوه قضائیه ارائه شده بود، به صورت رسمی اعلام شد. در نامه از‌های، درخواست عفو و تخفیف مجازات برای محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و سازمان تعزیرات حکومتی که محکومیت آنها تا ۱۹ شهریور قطعیت پیدا می کرد، درخواست شده بود. این درخواست عفو، به صورت معیاری مطرح شده بود.

علی مظفری، معاون قضائی قوه قضائیه در گفت‌وگویی با ایسنا که روز گذشته منتشر شد، از آزادی ۸۰۰۰ زندانی با عفو معیاری خبر داد. به گفته این مقام قضایی، ۱۶۰ نفر از محکومان سیاسی و امنیتی نیز مشمول این عفو شدند. مظفری درباره برخی محکومین پرونده‌های مربوط به اعتراضات سال‌های گذشته گفت: «بخشی از این افراد مشمول عفو شدند و تعدادی نیز مشمول عفو نشدند و احکام‌شان قطعی و اجرای آن آغاز شده است. عفو معیاری پس از آتش‌بس جنگ ۱۲ روزه اعلام شد. در پی حمله رژیم غاصب به زندان اوین، هدف این بود که زندانیان امنیتی تحریک شده و دوباره اقدام به اغتشاش کنند، اما این افراد اقدام هوشمندانه‌ای پیش گرفتند. حتی با وجود فراهم شدن زمینه فرار، ایستادگی کردند و نظم را برقرار ساختند و اعلام کردند که دشمنان، آن‌ها را دست کم گرفته‌اند و علیه امنیت جامعه اقدامی نخواهند کرد. این رویکرد مثبت باعث شد قوه قضائیه آزادی این افراد را در قالب عفو معیاری پیش‌بینی کند. در مجموع بیش از ۱۶۰ نفر از محکومین امنیتی مشمول عفو معیاری اخیر شدند. کل محکومین امنیتی در کشور حدود ۳۰۰ نفر هستند و بر خلاف تبلیغات سوء، تعداد محکومین امنیتی در کشور زیاد نیست. این ۱۶۰ نفر محکوم امنیتی یا آزاد شدند یا مجازات‌شان تقلیل یافته است.»

بر اساس گزارش ایسنا، او با اشاره به بند اول عفو معیاری که مختص محکومین امنیتی است، گفت: «هدف از این بند، تقویت انسجام ملی است. این افراد مشمول عفومی شوند؛ به شرطی که حکم‌شان تا پنج سال قطعی و اجرا نشده باشد و در این مدت پیشیمانی خود را از اقدامات قبلی ابراز کرده و همسوبا نظام و مردم زندگی کنند.»



علیرضا زاکانی پس از این اعتراضات خود را به صحن شورای شهر تهران رساند و از چمران خواست که صحبت کند اما چمران اجازه صحبت به او نداد و گفت که جلسه پیش شما صحبت کردید و ما گوش دادیم حالا شما گوش کنید. بررسی «انهاد رهبری پایش طرح‌های توسعه شهری تهران» را تنش‌ها به نتیجه نرسید تا جلسه بعد هم وقت شورای شهر تهران به این بررسی بگذرد.

▼ از وزارت کشور و وزارت راه شکایت می‌کنیم

علیرضا زاکانی، شهردار تهران پس از اتمام صحن شورای شهر تهران با حضور در جمع خبرنگاران و در پاسخ به این پرسش که چرا از ابتدا در جلسه شورای شهر حضور نداشت؟ گفت: «بنده در جلسه امروز حاضر شدم.» در واکنش به خبرنگار هم‌میهن که تأکید کرد: «شما بعد از اعتراض اعضای شورای شهر تهران به صحن آمدید.» گفت: «آقای باری [معاون زاکانی] گفت حضور ایشان کفایت می‌کند و الزامی بر حضور بنده وجود نداشت. بنده دیدم که تلفی دیگری صورت گرفته است. نهاد بالادستی ما شورا است اما ملک عمل ما قانون، قانون و قانون است.» شهردار تهران بیان کرد: «اجازه ندادند ما صحبت کنیم و اگر صحبت می‌کردیم مشخص می‌شد صحبت‌های ما درست است. نمی‌توان یک بخش از قانون را خواند و بخش دیگری را نخواند. اگر قانون را کامل ببینیم مشخص می‌شود تمام مواردی که گفتیم بر اساس قانون است. هرآنچه بنده گفتیم ناظر بر قانون بود. آقای چمران بزرگ ماست و احترام ایشان بر ما واجب است. این موضوع اختلاف سلیقه نیست. من ۱۳ سال در مجلس و رئیس مرکز پژوهش‌ها بودم و یک روال وجود دارد که ناظر بر شورای شهر نیز هست. ما گفتیم که ابلاغ ارشادی صورت گرفته و انجام نمی‌دهیم و این طبیعی است؛ چون انجام آن خلاف است. چرا در سال ۱۳۸۹ این موضوع لغو و یک ماه بعد از آن آقای قالیباف آیین‌نامه ابلاغ کرد. از این آیین‌نامه در جلسه هیچ صحبتی نشد. این آیین‌نامه پیوست طرح جامع است.»

او با بیان اینکه ماجرا اختلاف سلیقه نیست، افزود: «آیین‌نامه ابلاغی آقای قالیباف راهگشا نیست. نکته‌ای که وجود دارد این است که در چهار مردآماه سال ۱۴۰۰ شورای عالی ابلاغیه‌ای دارد که مبنای تصمیمات آن مشخص شده است. تهران با این وسعت و جمعیت مستثناست و قاعده متفاوتی داد. به هر شکل این موضوع چارچوب فعالیت ما با شورا را بر هم نمی‌زند و ارتباط ما همچنان برقرار است. کاری که وزارت کشور و وزارت راه انجام داده ۱۰۰ درصد غیرقانونی است. ما شروع به شکایت کردیم؛ چون این مسئله تعارف ندارد. آنها شهر را محصور کردند و برای شهر طرح جامع نوشتند و در مورد حریم هم آنطور عمل کردند به‌طوری که همچون مرتضی گرد حاشیه‌نشینی از حریم آغاز شده و به شهر رسیده است.» زاکانی تأکید کرد: «من با همه دوستان در وزارت کشور و شورای عالی صحبت کردم و استدلال آن را سلیقه می‌دانند. من هر چه می‌گویم مبنای قانونی دارد. در موضوع حریم سراسرای اقدامات غیرقانونی و بسیار خطرناک است. بنده با رئیس‌جمهور و در هیئت دولت سه نوبت صحبت کردم. بنابر این بود که با محوریت وزیر راه و شهرسازی طی دو هفته جلسه‌ای با ایشان و وزیر کشور داشته‌باشم که ایشان دعوتی از ما نداشتند. رئیس‌جمهور نیز پس از آن، دستور به تشکیل جلسه داد. بنده به خانم وزیر گفتم که این تخطی است و باید جلسه تشکیل شود؛ چرا که مقرره هیئت دولت است و یک موضوع سراپا غیرقانونی را ابلاغ کردند. بنده نامه‌ای به رئیس‌جمهور ارائه دادم و گفتم کار غیرقانونی انجام می‌دهند و به وزیر نیرو، وزیر کشور، دبیر هیئت دولت، معاون سازمان محیط زیست، وزیر اطلاعات و دیگر بخش‌ها نامه را ارسال کردم.» او اعلام کرد: «در حریم سراسرای کار وزارت کشور و وزارت راه و شهرسازی صددرصد غیرقانونی است و در مراجع قانونی به آن رسیدگی خواهد شد. استدلال آنها سلیقه است. در این مورد شکایت خواهیم کرد.»

سمفونی خطوط

جمال رحمتی



ادامه از صفحه اول

را ملاک عمل قرار داد و نه نظرات استاندارد. متأسفانه دولت، وزارت کشور و معاون اول رئیس‌جمهور چنان پرمشغله هستند که زمانی برای رسیدگی به این موضوع ندارند، در نتیجه این دو نهاد با یکدیگر جر و بحث می‌کنند که این شیوه هم به نتیجه خاصی منجر نمی‌شود.»

وی درباره اختلاف میان شهرداری و استانداری و ارتباطش با مسائل اقتصادی گفت: «حریم که کوچک می‌شود، محدوده‌ای که شهرداری اجازه دارد در آن مجوز صادر کند یا عوارض دریافت کند و بابت همه این موارد پول بگیرد، کوچک‌تر می‌شود؛ موضوعی که به ضرر شهرداری است. به بیان دیگر شهرداری از مبالغ سنگینی که بابت صدور مجوز یک فعالیت یا دریافت عوارض در حریم تهران می‌تواند دریافت کند، محروم می‌شود. در حالی که گسترش یا عدم گسترش پایتخت یک تصمیم ملی است. براساس قانون گسترش شهر تهران، شهرداری حق ندارد در حومه شهر تهران مجوز ساخت و ساز، شهرک‌سازی یا امور صنعتی را صادر کند. در این حوزه ممنوعیت وجود دارد و اگر رعایت نشود، قطعاً ضرر آن متوجه مردم شهر می‌شود. ترافیک و تردهای رو به افزایش مربوط به بخشی از جمعیت است که در عرصه امور خدماتی یا صنعتی در حومه شهر تهران فعالیت می‌کنند.»

شهردار پیشین تهران با تأکید بر اینکه ارزش زمین‌های حومه تهران بسیار متفاوت از زمین‌های داخل محدوده شهر است، تصریح کرد: «شنیده‌ام برای برخی اقدامات در حومه شهر مجوز صادر شده اما روی آن مهر «محرمانه» زده شده است. درحالی‌که محرمانه بودن برای یک مجوز قانونی بی‌معنا است. صدور این مجوزها باعث تحولات اقتصادی کلان شده و قیمت زمین در حومه شهر به شدت افزایش می‌یابد. بنابراین نمی‌توان به راحتی گفت که کوچک شدن حریم تهران به نفع شهر و شهروندان آن است یا به ضرر.» وی با بیان اینکه «برنامه‌ریزی درست و انتقال برخی از کاربری‌ها مانند برخی مراکز خدماتی و کارگاهی به خارج از تهران می‌تواند به نفع این شهر باشد» ، گفت: «چنین اقدامی در دهه ۷۰ هم صورت گرفت و مراکزی مانند سنگ‌بری‌ها یا برخی کارگاه‌های صنعتی کوچک از محدوده شهر به خارج از آن منتقل شدند. همچنین اگر برخی مراکز تجاری بزرگ از داخل شهر به حومه منتقل شوند، می‌تواند باعث کاهش ترافیک شهر شده و به لحاظ زیست محیطی هم به نفع تهران باشد که لازمه چنین اقداماتی برنامه‌ریزی مناسب است.»

کرباسچی در پایان گفت: «اگر توجه دستگاه‌ها به مبالغی باشد که از طریق تصمیم‌گیری در حومه تهران می‌توانند به دست آورند یا نگاه‌شان افزایش قیمت زمین‌های این مناطق و سودکردن دینفغان باشد، دیگر نمی‌توان از سود یا ضرر شهر و شهروندان سخن گفت.»

شهردار پیشین تهران در واکنش به اظهارنظر پزشکیان مبنی بر «انتقال پایتخت، به منطقه «مکران» را یادآوری و تصریح کرد: «اگر چه مکران در کنار دریا واقع شده، اما در حال حاضر سیستم و بلوچستان هم با مشکل کم‌آبی مواجه است. مگر اینکه بخواهند دستگاه آب شیرین کن در این منطقه مستقر کنند که فعلاً برای خود آن استان هم میسر نیست. به علاوه اینکه ظرفیت جمعیتی این منطقه هم مشخص نیست.»

کرباسچی درباره اختلاف میان شهرداری و استانداری درباره کوچک‌شدن حریم تهران گفت: «این اختلاف جدید نیست و به قیل از انقلاب باز می‌گردد. بخش زیادی از این اختلاف به اختیارات اداری و مالی باز می‌گردد. دستگاهی که اجازه تصمیم‌گیری درباره ساخت و ساز و توسعه در اطراف تهران را داشته باشد، در واقع دارای اختیارات کلان اقتصادی است.

بر اساس قانون «نظارت بر گسترش شهر تهران» مصوب ۱۳۵۲ شورایی تشکیل شد که ریاست آن را نخست‌وزیر بر عهده داشت، همچنین نمایندگانی از دولت و شهرداری هم در آن حضور داشتند. این موضوع نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری درباره پایتخت هرگز به نظر یک نفر یا یک دستگاه خاص اعم از شهرداری یا استانداری موکول نشده است. این شورا بعد از انقلاب تغییر نکرد. در زمان نخست‌وزیری آقای موسوی شورای گسترش چند جلسه برگزار کرد. آخرین باری که این شورا تشکیل جلسه داد زمان مرحوم هاشمی بود.

در این جلسه تصمیماتی در خصوص گسترش شهر تهران و انتقال برخی کاربری‌ها به خارج از تهران گرفته شد. مسائل اداری به یکدیگر پیوسته هستند. مثلاً ایجاد یک شهرک در خارج از محدوده شهر تهران نیازمند هماهنگی با ادارات مختلفی مانند ادارات آب، برق، گاز، مخابرات، راه و... است. بنابراین شهرداری یا استانداری هیچ‌یک به تنهایی نمی‌توانند درباره حریم تهران تصمیم‌گیری کنند.»

وی در ادامه افزود: «علت تمرکز فعلی بر حریم تهران، وجود تصرفات یا تصمیم‌گیری‌هایی از سوی شهرداری تهران درباره حریم پایتخت است. شاید این تصمیم‌گیری‌ها یا تصرفات تبعاتی دارد که استانداری آن‌ها را با توجه به مسئولیتی که در حوزه امنیت شهری و مسائل اداری شهر بر عهده دارد، به صلاح نمی‌داند.»

کرباسچی با بیان اینکه تصمیم‌گیری درباره حریم شهر تهران یک موضوع ملی بوده و باید مقامی بالاتر مانند رئیس‌جمهور یا معاون او نسبت به ایجاد هماهنگی میان شهرداری و استانداری در این حوزه اقدام کند تا تصمیم‌های معقولی درباره حریم تهران گرفته شود، تصریح کرد: «در این مسیر نه باید به تنهایی نظرات شهرداری